

مقاله



نویسنده: اسد سلیمان\*

# مروری بر چگونگی مبادلات ادبی بین ادبیات فارسی و اوغوری

در مجموعه ادبیات ملیت‌های مختلف چین، ادبیات اوغوری یکی از قدیم‌ترین ادبیاتی است که با ادبیات شرق و غرب ارتباط نزدیک دارد. اوغورها بر اساس فرهنگ سنتی خود، چکیده فرهنگ ملت‌های شرق و غرب را با هدف رشد و توسعه فرهنگ خود جذب کرده، آن را به سطح بالاتری رسانده‌اند. ادبیات اوغوری کهن و ریشه‌دار است و در روند حیات طولانی خود با ادبیات چین، هند، اعراب و به خصوص فارسی تبادل داشته است. جاده ابریشم یکی از راه‌های تبادل فرهنگ ایران با ملت اوغور بوده است. از این جهت نقاط مشابه و مشترک در میان ادبیات فارسی و اوغوری بسیار زیاد است.



قبل از اوغورها، قبایلی نظیر سکاها، تخری‌ها و سغدها به زبان فارسی سخن می‌گفتند و در این منطقه زندگی می‌کردند، آنها از نظر زبان و فرهنگ به فارس‌ها خیلی نزدیک بودند و با افسانه‌های قدیم فارسی آشنایی زیادی داشتند. در چنین شرایطی این قبایل کم‌کم در زبان و فرهنگ اوغور جذب شدند. کیش زرتشتی در دوره ساسانی وارد آسیای میانه و نواحی غرب چین شد. در قرن ۸ میلادی دین مانی از طریق سغد وارد سرزمین خان‌هوی خه و سپس از آن طریق وارد امپراتوری تانگ شد. مردم هوی خه پس از مهاجرت به نواحی غرب چین با قبایل مختلف ترکی و قبایلی که با زبان فارسی شرق حرف می‌زدند مخلوط شده و ملیت اوغور را تشکیل دادند.

در قرن ۲۰ محققان از روی آثار باستانی شهر قدیم گائوچانگ واقع در منطقه تورپان دریافتند که مهاجرین منطقه تورپان به سه گروه تقسیم می‌شدند: ۱ - فارس‌هایی که در اسناد تورپان parrig نامیده شده‌اند. ۲ - پارت‌هایی که در اسناد تورپان از آنان به نام Panlaranig یاد شده است. ۳ - سغدی‌ها که در اسناد تورپان به نام Sogday خوانده شده‌اند. در قرن ۱۰ میلادی اسلام وارد نواحی شرق شد. در روند پذیرش اسلام از سوی اویغورها، زبان فارسی نقش مهمی را ایفا کرد. در مجموعه فرهنگ اسلامی، ادبیات فارسی از موقعیت خیلی مهمی برخوردار است. در دوران حاکمیت دودمان قاراخان، مبادلات فرهنگی و اقتصادی بین فارس و اویغور سال به سال گسترده‌تر می‌شد. محمد کاشغری دانشمند معروف اویغور در قرن ۱۱ میلادی در « لغت نامه بزرگ زبان ترکی » ( Divan lugat-atturk ) ضمن تسریع واژه‌تات اشاره می‌کند: «به نظر ترک‌ها منظور از تات انسانی است که به زبان فارسی حرف می‌زند.» و در ضرب‌المثل آمده است: « بدون تات ( فارسی ) ترک نیست و بدون سر کلاه نیست؛ به معنی اینکه همانگونه که بدون سر کلاه وجود ندارد، بدون فارس‌ها هم ترک‌ها وجود نداشتند» این ضرب‌المثل رابطه فارس‌ها را با ملیت ترک به طور زنده بیان می‌کند. از جهتی دیگر افکار صوفیانه ادبیات فارسی تأثیری عمیق در جهان‌بینی و روش زندگی شعرای ترک - اویغور در خلق آثار ادبی آنها گذاشته است. تعداد زیادی از شاعران اویغوری از جمله یوسف‌خاص حاجب، لطفی، عطائی، سکاگ، نوائی، سرکاتی، خراباتی، نوبتی و جلیل در روند خلق اشعار خود تا حدودی افکار صوفیانه را منتشر کرده‌اند. به عنوان نمونه «مسیب» شاعر مشهور صوفی اویغور در شعر خود می‌گوید:

من مانند منصور حلاج می‌خداحافظی را نوشیدم

در آن زمان که به پای چوبه دار دور زده و گریه کردم.

این شعر مسیب به عنوان شعر «۱۲ مقام» موسیقی کلاسیک اویغور در میان عامه مردم رایج است. سعدی نیز تأثیر عمیقی در افکار فلسفی، ادبیات، هنر و اخلاق مردم اویغور گذاشته است. یکی از داستان‌های او در گلستان دربارهٔ کودکان اویغوری است که در مسجد کاشغرفر زبان عربی یاد می‌گرفتند. از این داستان می‌توان استنباط کرد که اشعار سعدی در زمان حیاتش در میان مردم اویغور کاشغرفر رایج بوده است. امیر خسرو شاعر فارسی‌گوی هند دراصل از شهر کوش واقع در آسیای میانه بوده است و خود در اشعارش اشاره دارد که ترک هندوستان است. آثار ادبی وی نه تنها در هند، بلکه در ایران و آسیای میانه منتشر است. کتاب «چهار دوریش» وی به زبان اویغوری ترجمه شده و اثر زیادی در ادبیات کلاسیک و ادبیات مردمی اویغور گذاشته است. در زمان تیمور بسیاری از اویغورها از طرق مختلف وارد منطقه ماوراءالنهر و خراسان شدند که در میان آنها تعدادی دانشمند و شاعر نیز وجود داشت. سعیدالدین کاشغرفر به علت جنگ از کاشغرفر گریخت و در آسیای میانه معلم جامی شد. جامی شاعر بزرگ فارسی - تاجیک تحت هدایت سعیدالدین کاشغرفر ۳۰ اثر ادبی خلق کرد و در کتاب « تاریخچهٔ مکتب صوفی» و « پیشگویان صوفیه و دانشمندان آن » طریقت صوفی‌گری سعیدالدین کاشغرفر را شرح داد. در مبادلات فرهنگی بین فارس و اویغور، قهرمانان ادبیات فارسی وارد ادبیات اویغوری

شد. در کتاب «دانش خوشبختی» از یوسف خاص حاجب به رستم و ضحاک و نوشیروان و افراسیاب و ... اشاره شده است و افراسیاب را با «تونگاه آلپار» (Tonga Alpar) از قهرمانان ترک یکی می‌داند. بعضی از موضوعات ادبیات فارسی از طریق خمسه علیشیر نوائی به زبان ترکی وارد ادبیات اویغوری شده و زمینه‌های فراوانی را برای خلق اشعار شعرای معاصر اویغور فراهم آورده است. اشعار فردوسی، نظامی، امیر خسرو و جامی در داستان‌های عشقی و ادبیات اویغور تأثیر گذاشته و آثاری چون شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون نظری، بهرام و دل‌آرام ادیبی، اسکندرنامه آخوند زاید بائی، غار هزار بودا و فرهاد و شیرین نسیم سسید پدید آمده است. عمر بک یار کندی و ملاصدیق یاکتدید دو ادیب بزرگ اویغور در قرن ۱۸ و ۱۹ آثار خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، لیلی و مجنون، هفت پیکر (بهرام و دل‌آرام) و اسکندرنامه نظامی را به نثر برگرداندند. از آن پس داستان‌های عشقی از چهار چوب ادبیات مکتوب عبور کرده وارد قلمرو ادبیات عامیانه و شفاهی شد. در آثار اشعار کلاسیک اویغور اسامی اماکن مختلف ایران نیز مشاهده می‌شود. این مناطق عبارت است از ماوراءالنهر، خراسان، ایران، مرو، بلخ و ... همچنان‌که در اشعار کلاسیک فارسی اسامی چین و ماچین، ختن، کاشغر و ... دیده می‌شود. ادبیات ترجمه نیز پس از قرن ۱۵ در سین کیانک به سرعت توسعه یافت. بسیاری از آثار ادبیات فارسی و عربی به زبان اویغوری ترجمه شد و از طرف دیگر فرهنگ و تاریخ اویغور برای ملت‌هایی که با زبان شرق ایران حرف می‌زدند به فارسی برگردانده شد. در سال ۱۶۸۷ «ملاشاه هر جان» نیمه نخست شاهنامه را برای اولین بار به صورت نثر و در سال ۱۷۹۱ «ملاخاموش آخوند» نیمه دوم شاهنامه را به زبان اویغوری ترجمه کردند. در سال ۱۸۳۶ «شاه محمد ابن حاج نظام‌الدین» متن کامل شاهنامه را به صورت نثر از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه کرد که این ترجمه شاهنامه به زبان ترکی محسوب می‌گردد. در همان ایام گلستان سعیدی، داریوش‌نامه «موسی ترموس» و یوسف و زلیخای جامی نیز از زبان فارسی به زبان اویغوری برگردانده شد. در سال ۱۷۸۷ «محمد صدیق رشیدی» قابوس‌نامه را از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه کرد. در سال ۱۷۱۷ «ملا محمد تیمور» به دعوت کاشغر عظیم بگمام محمد کتاب کلپله و دمنه را از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه کرد. در سال ۱۸۰۰ «حاج یعقوب یار کندی» چهار درویش امیر خسرو را به زبان اویغوری ترجمه کرد. در قرن ۱۸ و ۱۹ اسکندرنامه نظامی و طوطی‌نامه ملا نخشی به زبان اویغوری ترجمه شد و در سال ۱۸۸۷ «آخور حلیم‌الدین» کتاب بهار دانش شیخ عنایت‌الله را از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه کرد. به طوری کلی مبادلات فرهنگی بین فارس و اویغور دیرینه و شامل زبان، ادبیات، مذهب، فلسفه، موسیقی و هنر است. از این جهت بدون پژوهش عمیق پیرامون ارتباط نزدیک بین ادبیات فارسی و ادبیات اویغوری، پژوهش در مورد توسعه و تکامل ادبیات اویغوری امکان‌پذیر نیست.

\* از دانشگاه اورمیچی یکن.

۱- پروفیسور جانگ هونیان در این باره می‌گوید: منظور از چین در شاهنامه فردوسی منطقه شمال غربی چین است نه داخل چین. آقای برجس دانشمند روسی در بررسی شیرین و فرهاد نوائی اشاره می‌کند که منظور از چین نواحی داخل چین کنونی نیست بلکه نواحی غربی یعنی سین کیانگ امروز است.